

## اعلام اعتصاب غذا و نامه خطاب به انسانهای آزاده و نهادها و...

اصغر فتاحی - عباس فرد

جمعه ۱ خرداد ۱۳۸۸

به انسان‌های آزاده

به نهادهای مدافع حقوق انسانی

به اتحادیه‌های کارگری

به کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد

به سازمان جهانی کار

به امنستی اینترنشنال

به پارلمان هلند

به حزب سوسیالیست و حزب کارگر هلند

به پارلمان اروپای متحد

دولت جمهوری اسلامی در یک یورش غیرانسانی بیش از ۱۷۰ نفر از رهبران و فعالین تشکل‌های کارگری را در روز اول ماه مه دستگیر کرد. گرچه تعدادی از این دستگیرشدگان پس از بازجویی‌های طولانی، بی‌خوابی‌های ممتد و اعمال فشارهای جسمی و روانی - با قید وثیقه‌های سنگین- آزاد شده‌اند؛ اما هنوز بیش از ۵۰ نفر از آنها در زندان اوین به سر می‌برند و وثیقه‌های سنگین نیز به معنای گروگان‌گرفتن «آزادشدگان» است. گرچه ایده‌ی تجمع در روز جهانی کارگرملاً قانونی بود و بر اساس کنوانسیون‌های سازمان جهانی کار (که از طرف جمهوری اسلامی پذیرفته شده است) و همچنین مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی صورت پذیرفته بود؛ اما ضرب و شتم و خشونت که از سوی پلیس به‌طور گسترده‌ای تدارک شده بود، قبل از آغاز تجمع و اجرای مراسم کارگری شروع شد و به‌زخمی شدن زنان و کودکان نیز انجامید.

پس از ۳۰ سال سرکوب و زندان و اعدام و سکوت و پراکندگی، این اولین باری بود که تشکل‌های گوناگون کارگری، با عزمی قاطع و اراده‌ای متحد، تصمیم گرفتند که ضمن برگزاری علنی مراسم روز جهانی کارگر، به‌طرح مطالبات برحق و دموکراتیک و انسانی خود نیز بپردازند. مگر مطالبات کارگران چه بود که این چنین مورد یورش و بازداشت قرار گرفتند و اینک باید با سپردن وثیقه‌های سنگین که غالباً از طرف آشنایان و روابط خانوادگی تأدیه می‌شود، روحاً به‌گروگان گرفته شوند؟ مگر کارگران دستگیر شده چیزی جز حق ایجاد تشکل مستقل، مطالبه دستمزد هایی که گاه تا دو سال به‌تعویق می‌افتد، و افزایش حقوقی که آنها را از پرتگاه مرگ تدریجی برهاند، داشتند؟ پس چرا به‌اتهام «اقدام بر علیه امنیت ملی» مورد بازجویی و پیگرد قرار می‌گیرند و پرونده‌های دروغین برایشان ساخته می‌شود؟

چرا دستگاه قرون وسطایی قضایی جمهوری اسلامی دلارا دارابی، این دختر جوان و بی‌گناه را که نهادهای مدافع حقوق بشر و همچنین امنستی اینترنشنال اصرار بر بی‌گناهی‌اش دارند، دقیقاً همان روزی اعدام می‌کند که کارگران

متحدانه‌ترین آکسیون خود را (پس از ۳۰ سال پراکندگی) سازمان داده بودند؟

با توجه به شدت‌یابی سرکوب و افزایش تعداد اعدام‌ها طی ۳ سال گذشته؛ با توجه به بروز بحران اقتصادی در عرصه‌ی جهانی که ایران را بی‌نصیب نخواهد گذاشت؛ با توجه به گسترش روزافزون نارضایتی مردم از سیاست‌ها و عملکردهای جمهوری اسلامی؛ و با توجه به بازداشت‌های وسیع فعالین کارگری و بستن اتهامات دروغین به آن‌ها؛ بیم این می‌رود که دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی روی بازگشت به دستگیری‌های انبوه و سرانجام روی بازگشت به اعدام‌های گسترده متمرکز شده باشد.

به شلاق بستن زنان و مردان کارگر به جرم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر؛ حبس ۵ ساله‌ی منصور اسانلو (رئیس هیئت مدیره‌ی سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه) و محرومیت وی از دارو و درمان که از حقوق فردی همه‌ی افراد نوع بشر است؛ حبس ۳ ساله‌ی ابراهیم مددی (نایب رئیس سندیکای کارگران اتوبوسرانی...)، علی‌رغم این‌که اخراج او از کار توسط یکی از دادگاه‌های جمهوری اسلامی غیرقانونی شناخته شده است؛ بازداشت و محکومیت علی نجاتی (رئیس هیئت مدیره‌ی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه) و همچنین اکثر رهبران و فعالین این سندیکا؛ تهدید مداوم فعالین کارگری؛ و نمونه‌های دیگر نشان از این دارد که احتمال و امکان بازگشت به دستگیری‌های انبوه و اعدام‌های گسترده چندان هم ضعیف نیست.

اگر هم اینک زمینه‌های احتمالی چنین بازگشتی از طرف نهادهای مدافع حقوق انسانی و دموکراتیک به شدت محکوم نشود و جمهوری اسلامی به خاطر اقدام ضدانسانی‌اش در بازداشت فعالین کارگری در روز جهانی کارگر زیر فشار قرار نگیرد، فردای آغاز کشتارهای دستجمعی از طرف این جنایت‌کاران کار چندان نمی‌توان از پیش برد. پس، علاج بروز فاجعه را قبل از وقوع باید تدارک دید.

گرچه جمهوری اسلامی چنین وانمود می‌کند که فشار نهادهای بین‌المللی را در دفاع از کارگران بازداشت شده به حساب نمی‌آورد؛ اما حقیقت چنین نیست و آزاد کردن رکسانا صابری که در اثر فشارهای سیاسی و بین‌المللی صورت گرفت، نشان از این دارد که چنین فشارهایی چندان هم بی‌اثر نیست.

ما امضا کنندگان این نامه که به دلیل حمایت از دستگیرشدگان اول ماه مه و همچنین حمایت از کلیه فعالین کارگری زندانی اقدام به اعتصاب غذا نموده‌ایم، از همه‌ی انسان‌های آزاده، نهادهای مدافع حقوق بشر و اتحادیه‌های کارگری در هلند می‌خواهیم که به جمهوری اسلامی فشار بیاورند تا تمامی کارگران زندانی را بدون قید و شرط آزاد کنند؛ چراکه آنها به جز اقدام برای یک بهتر و انسانی و مبارزه برای احقاق ابتدیی‌ترین حقوق انسانی مرتکب هیچ جرمی نشده‌اند. برعکس، این جمهوری اسلامی است که آشکارا همه‌ی کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کار و همه‌ی دست آوردهای حقوق بشر را زیر پا می‌گذارد.

به باور ما فشار وارد آوردن به جمهوری اسلامی یکی از مؤثرترین راه‌های جلوگیری از بروز یک فاجعه‌ی انسانی است. همچنین ما از دولت هلند، احزاب مترقی در هلند و پارلمان اروپا می‌خواهیم به اصول ادعایی خویش (که از دموکراسی و دموکراتیزم دفاع می‌کنند) پای‌بند بمانند و بازداشت غیرقانونی کلیه کارگرانی را که اینک در زندان به سر می‌برند، محکوم کنند. چراکه ایجاد شکل مستقل کارگری یکی از مؤثرترین گام‌ها در رشد موازین دموکراتیک

در همه‌ی جوامع بشری است. اصغر فتاحی - عباس فرد